

یک‌شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۹
۱۰ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ه‍.ق
زائویه ۲۴۰۲۱
شماره ۸۰۳۱۳۳ صفحه

متن میثاق‌نامه روزنامه‌نگاری در سایت روزنامه موجود است

اخبار

نمایش رادیویی «خانه خیابان سیروس» روی آنتن رادیو تهران

برنامه «سنگلج» از رادیو تهران تا ۱۴ بهمن، نمایش رادیویی «خانه خیابان سیروس» را پخش می کند.

به گزارش امتیاز: اسماعیل مایدیان تهیه و تنظیم کننده این برنامه با اعلام این خبر گفت: برنامه «سنگلج» از رادیو تهران که به بازخوانی کتاب های گویا اختصاص یافته است، هر بامداد ساعت ۱:۳۰ از رادیو تهران روی موج افصام ردیف ۹۴ مگاهرتز می‌رود.

تعدادی خانواده در«خانه خیابان سیروس» در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. خرداد ماه سال ۱۳۴۲ است و تحولات سیاسی مربوط به «انقلاب سفید» مردم را درگیر خود کرده است.

خانواده‌های خانه خیابان سیروس، همگی به نوعی درگیر لواط شش‌گانه و درگیری دولت و مردم شده بودند. ازطرفی «رضا طوقه» که تا قبل از این همسایه قابل اعتمادی به حساب می‌آمد، به خاطر شک اهالی خانه به وی، مجبور به ترک خانه شد. همه اهالی خانه شک کرده بودند که رضا به خاطر پول، «سید مرتضی» را که درگیر فعالیت‌های ضددولتی شده، لو داده است. هرچند بعد از آزادی سید، دیگر کسی خبری از سید نداشت و کسی هم از اهل خانه خیلی به فکر این نبود که رضا کجاست و چه می‌کند؛ اما «رحیم لبویی» هنوز عذاب وجدان داشت… تا این که روز پانزده خرداد چهل و دو شد و درگیر و دار تظاهرات چند نفر از مردهای خانه، شب برگشتند.

«خانه خیابان سیروس» نمادی از جامعه ایرانی سال‌های ۱۳۴۱ و ۴۲ خورشیدی و تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و مردم» است. شنیدن این کتاب گویا شما را با پاره‌ای از تاریخ معاصر این سرزمین آشنا می‌کند. نویسندگی این اثر نمایشی بر عهده فرهاد امینی و کارگردانی آن با خسرو فرخزادی بوده است.

مشاوران انتخاب فیلم‌های نوجوان و موبایلی جشنواره فیلم کوتاه رضوی معرفی شدند
مشاوران چهاردهمین جشنواره ملی فیلم کوتاه رضوی در بخش فیلم‌های نوجوان و موبایلی معرفی شدند.
فیلمساز مسئولیت مشاوره در انتخاب فیلم‌های نوجوان و موبایلی چهاردهمین جشنواره ملی فیلم کوتاه رضوی را برعهده گرفتند.

بر اساس این خبر، حمیدرضا زرگرانی، محمد طبرسا، امین قشقاییان وسید محمدرضا حسینی، به عنوان مشاوران انتخاب فیلم های نوجوان و موبایلی، چهاردهمین جشنواره ملی فیلم کوتاه رضوی را همراهی می‌کنند.

حمیدرضا زرگرانی

حمیدرضا زرگرانی متولد ۱۳۵۳ در گرگان و دارای مدرک کارشناسی هنر و کارشناسی ارشد تهیه کنندگی سیما است. وی عضویت در هیات مدیره انجمن نمایش گرگان، تدریس کارگردانی، داوری جشنواره های تئاتر نمایش‌های طنز، جشنواره «ستاره‌های جوان»، جشنواره «نمایش‌های کوتاه» و رویدادهای متعددی را برعهده داشته است.

محمد طبرسا متولد ۱۳۵۴ در گرگان و کارشناس ارشد سینما از دانشگاه هنر تهران است. وی دبیری هنر آموزش و پرورش و تدریس در انجمن سینمای جوانان ایران را در کارنامه کاری خود دارد.

امین قشقاییان

کارگردان و فیلمنامه نویس، دانش آموخته سینما و انجمن سینمای جوانان ایران است. کارگردانی شش فیلم از جمله «بل»، «تو مشغول مردنت بودی»، «من خدوم و او» و حضور در جشنواره‌های متعدد بین المللی و دریافت جایزه از جشنواره های آتلانتا، مدیترانه ، indie fest، atlantic ضد جنگ، کوپین از جمله افتخارات این هنرمند است.

روزنامه فرهنگی، هنری، ورزشی، اجتماعی صبح کشور
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
غلامحسین شعبانی
نشانی: میدان انقلاب – خیابان جمائزاده‌شمالی
پلاک ۲۶۰ واحد ۵

پست الکترونیکی:
info@emtiazdaily.ir
تلفن: ۶۶۵۹۳۸۰۹
آگهی دولتی: ۶۶۵۱۷۷۶۴ – آگهی شهرستان ها: ۶۶۶۵۰۰۹۹
لینوگرافی و چاپ: ریحان

WWW.EMTIAZDAILY.IR

امان از این همه سرفت و سکوت



اثر هم پایمال می‌شود. ضمن اینکه برخی از این افراد مدعی هستند که خودشان کارشناس هنر هستند و در دانشگاه درس خوانده‌اند. اگر در واقع اینطور باشد، باید پرسید پس جای اخلاقی حرفه‌ای در هنر کجاست؟!

دست ما به هیچ جا بند نیست!

در این باره هادی آفریده هم که پخش آثارش در شبکه‌های ماهواره‌ای و استفاده بدون اجازه از آن‌ها را بارها تجربه کرده است، به ایسنا می‌گوید: پخش فیلم‌های ما در شبکه‌های ماهواره‌ای خرج از کشور صرفا یک نمونه است و واقعا موضوع باید ریشه‌یابی شود. ما اصولا چیزی به اسم صیانت از نمایش فیلم‌ها نداریم و این در داخل کشور هم اتفاق می‌افتد، یعنی کانال‌های تلویزیونی خودمان نیز همین کار را می‌کنند. بخشی از ماجرا به این برمی‌گردد که وقتی در فستیوال‌ها فیلم‌های ما را نمایش می‌دهند حق رایت پرداخت نمی‌شود. این مسئله بزرگی است که به ما نشان می‌دهد اصولا چیزی به اسم حق رایت برای فیلم مستند در ایران وجود ندارد و در خارج از کشور هم که به خاطر مسئله کپی‌رایت، ما را جدی نمی‌گیرند.

این مستندساز ادامه می‌دهد: گاهی فیلم‌های مستند سر از شبکه‌های خارجی می‌آورند و گاهی هم در همین شبکه مستند تلویزیون خودمان به سرقت رفته و پخش می‌شوند و دست من سازنده به هیچ جا بند نیست. این‌ها جدا از زمانی است که در برنامه‌های دولتی یا غیردولتی فیلم‌ها را پخش می‌کنند. درست است که ما متعهد به قانون کپی رایت نیستیم، اما عده زیادی عادت کرده‌اند که برای نمایش فیلم‌های مستند و پخش آن‌ها هیچ اجازه‌ای را در نظر نگیرند و هزینه‌ای هم پرداخت نکنند.

وی اضافه می‌کند: من در رابطه با اتفاقی که برای برخی فیلم‌های خودم رخ داد بیشترین ناراحتی‌ام از این بود که اینقدر راحت ما را ندیده می‌گیرند. وقتی ما تصمیم گرفتیم از شبکه‌های ماهواره‌ای خارجی شکایت کنیم در همین داخل کشور برخی دوستان به ما گفتند این کار را نکنید. اگر بخواهید خسارت بگیرید به محض دریافت خسارت به شما این اتهام وارد می‌شود که از رسانه‌های معاند و دشمن خسارت گرفته‌اید! از آن طرف وقتی تلویزیون خودمان در داخل کشور این کار را انجام می‌دهد باز هم به جایی نمی‌بریم و می‌بینیم که افرادی به راحتی

شود امکان پیگیری هر اتفاقی سخت می‌شود؛ در نتیجه می‌بینیم که فیلم‌ها به راحتی داندلود و استفاده می‌شوند. او درباره اینکه وظیفه ستاد صیانت از آثار سمعی و بصری وزارت ارشاد در این باره چیست؟ توضیح می‌دهد: آنچه ما در وزارت ارشاد به آن صیانت می‌گوییم در عمل منحصر به فیلم‌های قصه‌گو شده است. فیلم‌های داستانی همیشه قفل و کلید داشتند. یک زمانی نگاتیو بود و امکان سرقت سخت و بعد که **dcp** آمد سرقت زیاد شد ولی از آنجا که پای میلیاردها تومان سرمایه وسط است و آدم‌های قدرتمند حضور دارند، طبیعتاً اتفاق‌ها پیگیری می‌شود. در اینجا صیانتی مستند باید قدرت خود را بالا ببرد. ما زمانی می‌توانیم در شورای صیانت ارشاد و

خانه سینما و وزارت کار و غیره حرف خود را بزنیم که اول برای خودمان قیمت بگذاریم. کارگردانی سینمایی مستند در این کشور فاقد توزییزون هم اصلا متوجه نمی‌شوند و نمی‌دانند صاحب محصولی که پخش می‌شود کیست! این ترتیب در عمل شاهد یک سیاست چندگانه هستیم.

آفریده در ادامه یادآور می‌شود: بجز این‌ها چند سال قبل مستندی از من در مرکز هنرهای نمایشی و یونسکو تهران تکه تکه شد تا برای ثبت تقالی و شاهنامه‌خوانی به یونسکو جهانی بفرستند و من برای بسیاری از فیلم‌هایم با چنین اتفاق‌هایی مواجه شده‌ام و دستم به هیچ جا بند نیست. در این وضعیت سوال من این است که اگر نمی‌خواهیم عضو قانون کپی رایت جهانی شویم، آیا باید این جا هم به همدیگر آسیب بزنیم؟ آیا قرار است آثار یکدیگر را تکه تکه کنیم؟ آیا قرار است حتی خبر و تحلیل‌های همدیگر را هم بزدیم که انگار هیچ صاحبی وجود ندارد؟ با این حساب هنر ما نه تنها هیچ پیشرفت نمی‌کند بلکه رو به فقرتر می‌رود. این در حالی است که هم سانسور به ما ضربه می‌زند و هم خودمان علیه خودمان این طور رفتار می‌کنیم.

او تاکید می‌کند: این شرایط نشان می‌دهد که کارکرد وزارت فرهنگ و ارشاد در همان حد «ارشاد» خلاصه شده و وجه فرهنگی اصلا قدرتمند نیست در نتیجه می‌بینیم جامعه فرهنگ و هنر که خود باید بانی گسترش فرهنگ و هنر باشد، دچار بی‌فرهنگی شده است.

ستاد صیانت از آثار سمعی و بصری برای سینمای ققه گو است

در ادامه پژمان مظاهری پور که سال ۹۵ با همراهی چند مستندساز دیگر کمپینی را با عنوان «نمایش مستند رایگان نیست» راه‌انداخت، درباره اینکه آیا با توجه به نتایج و موفقیت این کمپین می‌توان راهکاری برای موضوع مالکین و کپی‌رایت پیدا کرد؟ می‌گوید: فیلم مستند از دو جهت مورد دستبرد و تهاجم قرار می‌گیرد؛ یکی از استفاده از منابع آرشیوی و دیگری از منظر امکان پخش. یعنی کسانی که پیش از این فیلم مستند را در برنامه‌ها و جلس‌های خود پخش می‌کردند، این تصور را داشتند که به فیلم مستند لطف می‌کنند. در صورتی که اینطور نیست. فیلم مستند به شبکه‌ها و فضای مجازی قرار می‌گیرد و هم بقیه در مقابل این اتفاق سکوت می‌کنند!

چرا کامبیز روشن‌روان مدت‌هاست موسیقی فیلم نساخته؟

فیلم همانند گذشته با مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کند؟ اظهار کرد: کاملا مشخص است؛ هنگامی که موسیقی متن نتواند ارتباط منطقی با فیلم برقرار کند و توانایی کمک به بالا بردن کشش‌های دراماتیکی فیلم را نداشته باشد و ساختار موسیقی ضعیفی داشته باشد، نمی‌توان توقع داشت موسیقی تأثیر مثبتی در فیلم داشته باشد. مشکل در حافظه مردم باقی بماند. او اضافه کرد: امروزه بخش بزرگی از موسیقی‌های فیلم و سریال، افکت‌های صوتی مشابهی هستند که به سبب تکرار زیاد و نامربوط در فیلم‌ها، دلزدگی ایجاد می‌کنند. امروزه می‌توان بخش‌هایی از موسیقی‌ها ی متن را روی فیلم‌های دیگری گذاشت، بدون اینکه مشکلی برای فیلم یا بیننده ایجاد کند، فرضا بیننده بگوید موسیقی متعلق به فیلم دیگری است. در حالی که سابق بر این موسیقی متن فیلم‌ها هویت منحصر به فرد خود را داشتند که به طور کامل با فیلم منطبق و درآمیخته بودند. از این رو فرضا امروز اگر شما قسمتی از موسیقی سریال «میرکبیر» یا «گل‌های داوودی» را بشنوید، فوراً تصاویر آن فیلم‌ها جلوی چشمتان نقش می‌بندند.

هر چند که این موسیقی‌ها سی و اندی سال پیش ساخته شده‌اند. **لژوم استعمار یادگیری موسیقی از هنرستان تا دانشگاه**
این هنرمند درباره اینکه آیا در حال حاضر هنرستان‌ها و دانشگاه‌های موسیقی استانداردهای لازم را برای آموزش موسیقی دارند، گفت: با توجه به اساتید خوبی که امروزه در دانشکده‌های موسیقی تدریس می‌کنند، انتظار این است که فراغ تحصیلان با دانش کافی وارد فعالیت هنری شوند. ولی در پارهای موارد به کسانی برخورد می‌کنیم که هرچند دانش آموخته دانشگاه معتبری هم هستند ولی از ابتدایی‌ترین دانش موسیقی بی‌بهره‌اند. مشکل شاید این است که ورودی‌های رشته موسیقی همگی دانش آموخته هنرستان‌های موسیقی نیستند و میزان سواد موسیقی آنها با هم برابر نیست. او ادامه داد: اگر ورودی‌ها همگی دانش آموخته هنرستان‌ها باشند، وقتی وارد دانشگاه می‌شوند، ادامه منطقی درس هنرستان را فرا می‌گیرند و نیازی نیست دروس ابتدایی را از صفر آغاز کنند. اگر چنین نباشد نه تنها اساتید ناچار به تدریس دروس پایه می‌شوند، بلکه به خاطر درس‌های زیاد غیرموسیقی نمی‌توانند دروس پایه را به طور کامل آموزش دهند که این روند تا پایان دوره ادامه پیدا می‌کند؛ مگر این که دانشجوی با هزینه گزاف کلیه دروس تخصصی را از اساتید خارج از دانشگاه فرا بگیرد.

آموزش مجازی ساز مطلوب نیست

روشن‌روان همچنین درباره تأثیر آموزش مجازی موسیقی در دوران کرونا، تصریح کرد: با توجه به اینکه فعلا امکان آموزش حضوری در دانشگاه‌ها و هنرستان‌ها وجود ندارد، برخی دروس نظری را هر چند با دشواری می‌توان آموزش داد ولی آموزش ساز را به خوبی و با کیفیت نمی‌توان انجام داد. برای آموزش ساز لازم است استاد و هنرجو رو در روی یکدیگر باشند تا هنرجو با دیدن دست،

یک فجنان جای داغ

رضایت ۹۹ درصدی از «شب‌های مافیا»؛ سعید ابوطالب
فصل چهارم رنالتی‌شو «شب‌های مافیا» با حضور مردان و زنان هنرمند، با رضایت ۹۹ درصدی در پلتفرم فیلمبو رویه رو شده است.
به گزارش امتیاز: در فصل چهارم رنالتی‌شو «شب‌های مافیا» که رقابتی نفس‌گیری بین حامد آهنگی، مجید واشقانی، هادی کاشفی، سید جواد هاشمی، سیما تیرانداز، شهزاد کمال زاده، سمانه پاکدل، مریم مومن، بهنام تشکر، امیر مهدی ژوله، امید حاجیلی و حسین مهری ۱۲ بازیگر منتخب فصل‌های اول تا سوم شکل گرفته بود این افراد توانستند لحظات جذابی را برای مخاطبان فیلمبو رقم زنند؛ تا شاهد رضایت ۹۹ درصدی از این فصل بازی مهیج و سرگرم کننده باشند.

رنالتی‌تی شوی «شب‌های مافیا» پیش از این برای اولین بار پس از بررسی آماری قنایق تماشا سریال‌ها و رنالتی‌تی‌شو‌ها در هفته اول انتشار، به رکورد شگفت انگیز ۱۹ میلیون دقیقه تماشا دست یافت و این رکوردزنی‌ها همچنان ادامه دارد و حکایت از رفتار جدیدی در بستر پلتفرم دارد.
این برنامه به تهیه کنندگی و کارگردانی سعید ابوطالب با خوانندگی کاوه آفاق، و سرمایه‌گذاری شرکت هنر اول ساخته شده است و هر هفته سه شنبه‌ها ساعت ۸ صبح به صورت اختصاصی از طریق فیلمبو پخش می‌شود.

«کیارستمی و عصای گمشده» در آبادان

به نقل از روابط عمومی پروژه، فیلم «کیارستمی و عصای گمشده» که در گروه سینمایی «هنر و تجربه» در حال اکران است، اول بهمن در آبادان نمایش داده شد.

عباس کیارستمی کارگردان فقید سینمای ایران به سینمادوستان و هنرجویان آبادان و خرمشهر قول داده بود تا به بهانه برگزاری جشنواره فیلم «روند»، کارگاه آموزش فیلمسازی برگزار کند اما در آن دوران این کار میسر نشد تا با نمایش فیلم «کیارستمی و عصای گمشده» در تالار مهر آبادان این فیلمساز سینمای ایران به نوعی دیگر به عهد خود وفا کند.
بهروز نشان تهیه‌کننده فیلم «کیارستمی و عصای گمشده» در نشست نقد و بررسی این فیلم گفت: قبل از درگذشت کیارستمی طی قرارى که با او گذاشته بودیم بنا بود همزمان با برگزاری جشنواره فیلم «روند» کارگاه آموزشى در این شهر برپا کند اما متأسفانه با درگذشت وی این امکان و فرصت ارزشمند برای سینمادوستان آبادانی فراهم نشد ولی با نمایش این فیلم در آبادان و با توجه به استقبال گسترده از آن فکر می‌کنم این مهم به انجام رسیده است و آبادانی‌های علاقه مند به سینما و کیارستمی برشى از شیوه تدریس سینمای او را دیدند.

وى اظهار کرد: آن زمان قرار بود عباس کیارستمى در کنار اصغر فرهادى و سمعد کلاى کارگاه‌هاىى را برگزار کنند که متأسفانه بدون حضور استاد کیارستمى کلاس‌های درس برپا شد. اما او قول یک دوره برگزاری کلاس را داد.

نشان ادامه داد: آبادان فیلمسازان بزرگى همچون امیر نادرى، ناصر تقواى و ادبایى مانند نجف دریابندى و صفر تقى زاده را در دل خود تربیت کرده‌است و به نظر مى‌رسد پیشرفت اقتصادى و اجتماعى این شهر به توسعه هنرى آن گره خورده است.

در ادامه این نشست محمودرضا ثانی کارگردان این مستند با ابراز خوشحالی از اکران این فیلم در آبادان گفت: همزمان با اهدای نشان این عربی در اسپانیا که خود برگزاری آن را برعهده داشتیم، قرار شد که کیارستمی به آن کشور سفر کند و کارگاه‌هایی را نیز برگزار کند. بر همین اساس، ۳۵ دانشجوی سراسر دنیا از میان ۴۰۰ نفر پذیرفته شدند تا در این کلاس‌ها شرکت کنند. من همراه کیارستمی بودم و از آنجایی که مستندساز هستم همیشه دوربینی در اختیار بود و او سوال کرد که چرا فیلم نمی‌گیرم؟ اینجا بود که متوجه شدم اجازه دارم تا تصویربرداری کنم. ثانی ادامه داد: پس از سفرهای طولانی و برگزاری کلاس‌های درس مختلف، کیارستمی از من خواست تا این تصاویر را تدوین کنم. چرا که خیلی‌ها دوست دارند در کلاس‌های درس شرکت کنند اما این امکان میسر نمی‌شود. من همانجا شروع کردم به تدوین اما با بیماری استاد و سپس از دست دادن ایشان انگیزه این کار را از بین رفت تا بهروز نشان از من خواست که این کار را انجام دهیم و خواسته عباس کیارستمی به انجام برسد. این مستندساز آبادانی یادآور شد: این فیلم در جشنواره‌های متعدد حضور داشته و موفق به دریافت جوایز مختلفی شده است و فیلمی است که تاریخ مصرف ندارد. خیلی خوشحالم که این فیلم در آبادان به نمایش در آمد و مورد استقبال قرار گرفت. در اکران فیلم «کیارستمی و عصای گمشده»، سروش شریفی معاون توسعه مدیریت سازمان منطقه آزاد اروند، قدرت‌الله طمیمیان معاون فرهنگی، اجتماعی و گردشگری سازمان منطقه آزاد اروند، حیدر جعفری مدیر روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان منطقه آزاد اروند، کورش کرم‌پور، علی حیدری، مجید عیدان، طیبه نیک‌آزاد و تعدادی دیگر از هنرمندان این شهر حضور داشتند.

فلاح: بازار هنر ایران در دست نوست گراهاست

جدا از رکورد ۱۲ میلیاردي این حراج که توسط یک اثر شکسته شد، آنچه اهمیت دارد رکودهای هنرمندان مکتب سقاخانه و گرایش نوست گرایي (Neo-Traditionalism) در این حراج است؛ هنرمندانی که آثارشان ترکیبی از نوگرایی و سنت است و ریشه در مکتب‌های قدیمی و میراث فرهنگی ایران دارد. این دسته هنرمندان در پی آن هستند تا پلی میان سنت و ندایی نو بنا کنند و آثارشان دارای خاستگاهی فرهنگی با قدمت چند هزارساله است. از میان هنرمندان مکتب سقاخانه می‌توان به هنرمندانی چون ناصر اویسی و وازه تباتبایی اشاره کرد که قیمت آثارشان در محدوده قیمتی متوسطی قرار دارد، و همچنین هنرمندان گران قیمت این مکتب شامل حسین زنده رودی و پرویز تناولی (که اثرش با کمینه و بیشینه ۴ تا ۵ میلیارد تومان به قیمت ۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان به فروش رسید) و البته صادق تبریزی که تابلوی چهار سوارش، یک میلیارد و سیصد میلیون تومان فروش رفت.

مهرداد فلاح، هنرمند نقاش در تحلیل حراج سیزدهم، ضمن اشاره به رکوردشکنی هنرمندان نوست گرا می‌گوید: «در حراج سیزدهم، هنرمندان نو سنت گرا پدیده‌های جدیدی را رقم زدند؛ هم به لحاظ رشد قیمت و هم به لحاظ ارائه هنرمندان جدید. این مسیر بی‌شک از سقا‌خانه‌ای‌ها آغاز شده و کماکان در حال رشد است. جالب است که تقریباً نود درصد رکوردهای این حراج در اختیار هنرمند نوست گرا بود، از جمله پرویز تناولی ۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان، محمد احصایی ۵ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان، منیر فرمانفرماییان سه میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان، رضا درخشانی دو میلیارد و ۶۰۰ میلیون، ژاژه تباتبایی دو میلیارد و ۱۰۰ میلیون تومان، پرویز کلاتری یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان، مسعود عربشاهی یک میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان، شهریار احمدی یک میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان، صادق تبریزی یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومان و نصرالله افجه‌ای یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان».

به اعتقاد فلاح، نقاشانی همچون رضا درخشانی (با تابلوی سواران صبحگاه) و صادق تبریزی (با چهار سوار بدون عنوانش) که نماینده نسل قدیم و جدید گرایش نو سنت گرایي هستند؛ رشد و دریافت جایگاه واقعی خود را از بازار خارجی آغاز و تداوم داده‌اند. این هنرمندان سعی در تثبیت قیمت‌های ملی و الملی و گسترش بازار ثانویه خود در داخل ایران هستند؛ امری که قیمت‌های آنان را بواقعی‌تر و قابل تکیه می‌کند.

فلاح در ادامه ضمن اشاره به بازار جهانی زنده یاد تبریزی نسبت به قیمت دلاری آثار او که از سال ۱۹۸۰ در حراج‌های جهانی حضور داشته می‌افزاید: «صادق تبریزی هنرمندی است که تنها کمتر از سه سالست راه خودش را در این حراج طی می‌کند و بررسی فروش آثارش نشانگر آهک منطقی رشد قیمت آثارش است.» نماینده هنری خانواده تبریزی درباره اهمیت این اثر گفت: «این تابلو بزرگ‌ترین اثری از این هنرمند درگذشته است که تا به حال در حراج‌ها ارائه شده و جزو کارهای نادر زنده یاد تبریزی است. تبریزی کار بزرگ کم دارد و کارهای بزرگش محدود است. در این تابلو ما شاهد به تصویر کشیده شدن چهار سوار هستیم؛ در حالی که اکثر تابلوهای تبریزی شامل دو یا سه سوار هستند. به همین در حال کمپوزیسیون اثر هم خاص است.» فلاح البته رشد قابل توجه هنرمندان فیگوراتیوی همچون واحد خاکدان را که دارای رکوردهایی قابل توجه در بازار بین الملی نیستند اما سعی در گسترش حراج‌گذاری خود در بازار داخلی دارند به عنوان یکی از پدیده‌های این دوره هنر تهران توصیف می‌کند.

این نقاش در پایان تصریح می‌کند: «همیشه نقل قولی از هنرمند فقید زنده یاد تبریزی در ذهنم است؛ این که هنر را زمان غربال می‌کند و آثاری که واجد ارزش‌های زیبایی شناختی و هنری هستند همیشه خواهان خود را خواهند داشت و راه خود را در بازار هنر طی خواهند کرد».